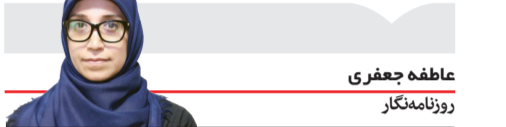


ردپای فرهنگ ترکیه در کتابفروشی های کابل

کاهش ۳۰ درصدی سهم ایران

از بازار نشر افغانستان



عاظمه جعفری روزنامه‌نگار

راه‌فرد در خیابان های هرات و کابل قدمی زنجو کتابفروشی ها می‌بینیم. پیغمی گرمه به آن زمانی که حسرت داشتن یک کتاب داستان به دل مان بود و طالبان نمی گذاشت و کتاب‌ها را می‌سوزاند. اما بالاخره آن روزهای سخت گذشت و حالا چراغی

با نگاهی به جمعیت ۳۸ میلیونی افغانستان و اینکه بیش از ۷۰درصد این جمعیت را جوان و نوجوان تشکیل می دهند، می‌توانیم بگوییم که بازار بالقوه‌ای برای نشر ایران در افغانستان وجود دارد. البته با توجه به هم‌زمانی ما با افغانستان‌ها، این ارتباط می‌تواند دوسویه باشد و زحمت ترجمه هم کمتر خواهد بود. براساس برآورد جدیدی که سال ۲۰۱۷ به‌صورت پیش‌بینی در افغانستان انجام گرفته و از شهروندان در مورد روز زبان اول‌رشتن سؤال شده بود، زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری و زبان رابط مورد استفاده ۷۷ درصد معرفی شده است. بعد از آن زبان پشتو ۲۸ درصد، زبان انگیسی ۱ درصد، زبان انگلیسی ۶ درصد، زبان ترکمنی ۳ درصد، زبان اردو ۳ درصد، زبان پشه‌ای یک درصد، زبان نورستانی یک درصد، زبان عربی یک درصد و زبان بلوچی یک درصد اعلام شده است. اینکه مجموع درصدهای ذکرشده از ۱۰۰ بیشتر است، به خاطر این است که مناطق زیادی در افغانستان دوبانه هستند اما بین همه این زبان‌ها، این اقدام فارسی است که قدرت بیشتری دارد و بر کام افغانستانی‌ها شورشین آمده است.

البته این را باید در نظر بگیریم که این نظرشنجی برای حدود سه‌سال و نیم پیش است و گفته می‌شود که ضریب نفوذ زبان انگلیسی در افغانستان زیاد شده است و توانسته خود را به سهم بالایی برساند. چون در بسیاری از مراکز زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان اصلی انتخاب کرده‌اند و جوانانی که بخواهند در این مراکز فعالیت کنند، باید زبان انگلیسی را یاد بگیرند. این مساله باعث شد است زبان انگلیسی در عرض این چند سال به طرز عجیبی در افغانستان فراگیر شود.

افغانستانی‌ها از ایران کتاب می‌خرند اما به زبان انگلیسی!

ایران همیشه در بازار نشر افغانستان حضور داشته از زمان پیروزی انقلاب اسلامی حتی در زمان حضور طالبان و تا امروز، البته سختی‌ها و مشکلات زیادی در این راه وجود داشت اما بالاخره، ناشران ایرانی همیشه سعی شان کرده‌اند که در این راه بتوانند بیشتر فک کنند و کتاب‌های ایرانی را به افغانستان بفرستد. سیدمحمدسلفانی، مدیر موسسه خصوصی هنر‌ساز است، موسسه‌ای که از ۱۰ سال پیش تمرکز خود را روی صادرات کتاب به افغانستان و حضور فعال در برگزاری نمایشگاه‌های مشترک گذاشته است. وی در گفت‌وگو با مدیر این موسسه، فعالیت‌ها و تمرکز آنها در فعالیت فرهنگی به‌ویژه حضورش در افغانستان است. او درباره کارشان می‌گوید: «از ۱۰ سال پیش ما با توجه به نیاز معیاف کتاب در افغانستان و البته ضرورت حفظ خط زبان فارسی، فعالیت فرهنگی «هنر‌ساز» آغاز شد. صادرات کتاب، با براساس هدف حمایت و دسترسی آسان‌تر کتابفروشان افغانستانی به جدیدترین کتاب‌های ایران، براساس نیاز و انتخاب آنها هدف نخست موسسه بود. ناشران افغانستانی با صرف هزینه و مراجعه حضوری به بازار کتاب ایران که اغلب محدود به رشته کتاب انقلاب بود، از وضعیت بازار مطلع می‌شدند و به خرید اقدام می‌کردند. این خریدها محدود، نقدی و با توجه به فاصله زیاد بین سفرها انجام می‌شد و منابع کتابفروشی‌ها در به‌روز آمد می‌شد. بنابراین به‌محض تعامل ناشران، کتابفروشان و حتی مخاطبان وییدی‌آرژنگان افغانستانی، به‌تازگی می‌توانند کتاب‌ها را به‌راستی با عنوان‌های جدید، دسترسی به آخرین کتاب‌های بازار نشر ایران و خرید اعتباری رفع کرده و موسسه «هناره سرگ» برای ناشران ایرانی سراسر کشور، امکان معرفی آثار خود در بازار نشر افغانستان را فراهم کرده است.»

سلفانی جامعه افغانستان را جامعه‌ای کتابخوان می‌داند و می‌گوید: «جامعه افغانستان با وجود هزینه‌های بسیار ایرانی‌زنگی در مقایسه با ایران، بسیار کتابخوان هستند. به‌عنوان مثال دانشجویان این کشور با وجود مشکلات فراوان، علاوه بر خرید کتاب‌های درسی برای خرید کتاب‌های غیردرسی می‌توانند به‌راحت‌تر کتاب‌های هم‌زمنه‌ی کنند. برخلاف ایران، تعطیلات سالانه افغانستان به‌لیل سرمای شدید، در فصل زمستان است. مردم کتابخوان افغانستان پیش از شروع تعطیلات زمستانی، تعداد قابل‌توجهی کتاب می‌خرند، بیشترین مشمولیت آنها مطالعه کتاب است.»

در این‌ها یالاه به این مساله اشاره کردیم که افغانستان ایرانی همیشه درصود فروش در افغانستان قرار داشتند اما حالا این مساله در حال تغییر است، سلفانی در این موضوع می‌گوید: «سال‌های گذشته کتاب فارسی براساس نیازی که وجود داشت به‌خوبی در افغانستان عرضه و فروخته می‌شد اما هم‌اکنون به شرایط در حال وقوع است. اکثر سفارشات در حالشت با تبدیل منابع مکتوب به دیجیتال و به‌عنوان یک پدیده در این حوزه هستیم. مردم افغانستان از ایران کتاب می‌خرند اما کتاب زبان انگلیسی! مثلاً در همین چند روز گذشته شاهد این بودیم که نزدیک ۷۰۰ کارتن شامل ۲۰۰ عنوان کتاب آموزش زبان انگلیسی به‌محض تعال ناشران، کتابفروشان و حتی مخاطبان او همچنین به حضور ترکیه در افغانستان و برپا می‌زری برای نشر ترکیه در این کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «اتفاق عجیب دیگر، حضورش دوستی ترکیه با سرسایه‌نگاری روزبه در افغانستان با سانس مدارس افغانستانی ترکیه و اول بورس تحصیلی است. به‌طوری‌که فراگیرانی زبان ترکی بعد از آموزش زبان انگلیسی در افغانستان قرار دارد. بیشترین فروش کتاب در نمایشگاه‌ها، شریف، منابع آموزش زبان انگلیسی بود. با این وضعیت به‌دیررسیمه سؤال‌ان احساس خطر نمی‌کند؟» پیش‌بینی‌های سلفانی سال آینده نمایشگاه کتاب زبان انگلیسی در افغانستان را خواهیم دید و هر چند غرقه هم کتاب‌های پرفروش فارسی عرضه خواهد‌شد. در حوزه کتاب به‌ناشران افغانستانی پیشنهاد همکاری دادند تا کتاب نویسندگان ترکی را برای مخاطب افغانستانی به فارسی و پشتو تبدیل کنند. کتاب برای فعالیت فرهنگی در بخش دولتی وجود دارد و مدیریت هزینه و برپا می‌زری ضروری است.»

سلفانی به‌عنوان کتاب‌های کلی که به‌عنوان کتاب‌های آموزشی و به‌عنوان کتاب‌های مهم است، به‌عنوان کتاب‌های فارسی در این نمایشگاه‌ها سر و دست می‌کشند. اما این‌ها بیشتر دنبال کتاب‌های انگلیسی می‌گردند و در این میان ناشران ترک به سرعت دارند به‌سپهان را در این بازار پیدا می‌کنند و ما هم می‌توانیم در این بازار چند سال دیگر سهم کم از در بازار نشر ترکیه در سیمناهای درآمد بدیم.»

نویسندگان ایران محبوب خوانندگان افغانستانی

با کتابی که آقای‌ها میرحاجی در موردفروش در افغانستان نوشت، این کتاب هم بسیار پرفروش‌تر است. در کل نویسندگان ایرانی مخصوصاً رمان نویسان و داستان نویسان بین مردم افغانستان بسیار محبوبیت دارند. حسین معتقد است افغانستان همیشه می‌تواند یک مشتری جدی برای نشر ایران باشد می‌گوید: «ببینید اشتراک زبان فارسی بین ایران و افغانستان خیلی مساله مهمی است که نباید به‌راستی از کنار آن گذشت ایران به‌لیل این زبان مشترک همیشه کتاب‌هایش در افغانستان بیشتر فروش دارد و ناشران ایرانی باید از این فرصت استفاده کنند. البته مشکلات زیادی هم وجود دارد، مثلاً قاچاق نش کتاب‌هایک مساله مهم است کتاب‌ از دیگر هم‌سایران این مسائل نباید ناشران ایرانی را ناامید کند. در این چند سال می‌بینیم بازار نشر ایران تحت تاثیر این نویسنده‌ها خفته است. از طرف دیگر کشورهای دیگری هم مثل کتاب‌های در افغانستان پرفروش می‌روند. البته کتاب‌های که در مورد تاریخ فرهنگ و زبان افغانستان باشد، بسیار پرفروش است، مثلاً کتاب‌هایی که در مورد شاه‌شاه‌سعود در این متن نشر شده در اینجا هم پرفروش است»

فرهنگ

دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹ شماره ۳۳۱۹

۱۲

دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹ شماره ۳۳۱۹

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲



۱۰ تا ۵۰ میلیارد درآمد از صادرات کتاب

کرد، و از این تغییرات جدید می‌برسم و محمد دانه‌ی مکتبی طولانی می‌گوید: «از چند سال پیش زبان انگلیسی به‌عنوان یک زبان اصلی در افغانستان مطرح شده است، بیشتر مراکز که می‌خواهند کسی را استخدام کنند، تاکید دارند باید زبان انگلیسی بلدانند اما اینکه در دانشگاه‌ها تقریباً زبان انگلیسی به یک زبان اصلی تبدیل شده است و اساتید کتاب‌های انگلیسی معرفی می‌کنند. همین شکل تصمیمات باعث شده زبان انگلیسی به یک‌باره، تا درصد قابل‌توجهی در افغانستان داشته‌اند، سال‌هاست کتاب‌های ایرانی در افغانستان وجود دارد. حتی در زمان طالبان بازم‌ها واردات از طریق پاکستان انجام می‌شد. نشر ایران بسیار به‌یשרت نشر افغانستان کمک کرد. او می‌گوید: «اگر به ۹۸٫۸ سال پیش نگاه کنیم، کتاب‌ها در بازار نشر افغانستان از سمت ایران تأمین می‌شد و خیلی از کتاب‌های ایرانی مخصوصاً پرفروش‌هایی که در ایران وجود دارد، بسیاری‌شان در افغانستان پرفروش هستند، اما این روند جای یک جایی به بعد تغییر

درحال رزن مدارس افغانستانی ترکیه در کشور افغانستان هستند به‌دلیل آموزش زبان ترکی‌های هستند. یک شکل معمول دیگر هم دارند که کتاب‌هایشان را در اختیار ناشران افغانستانی قرار می‌دهند تا به زبان فارسی ترجمه کنند.»

از او دربارهٔ جدی بودن حضور ترکیه در این بازار می‌پرسم که می‌گوید: «بازار افغانستان سال‌هاست برای ترکیه چاب بوده است و اگر ناشران افغانستان را در این چند سال رصد کنیم متوجه خواهیم شد این میل و علاقه به حضور در کشور بیشتر است. این درحالی است که تا چند سال پیش حتی نمی‌توانستید یک کتاب ترکی در کتابفروشی‌های افغانستان پیدا کنید ولی حالا این کتاب‌ها تعدادشان ناچهارهشتاد هزار نفر است»

یادداشت

اصغر عبداللهی، نویسنده و فیلمنامه‌نویس

سینمای ایران روز گذشته درگذشت

خدا حافظی طولانی با اصغر

سیدمحمد موسوی تبار

روزنامه‌نگار

اول همین دی‌ماه بود که در اختتامیه چهارمین دوره جایزه داستان تهران، از جایگاه ادبی نویسنده و فیلمنامه‌نویس اسابقه کشور، تجلیل شد. این نویسنده و فیلمنامه‌نویس هم کسی نبود که اصغر عبداللهی که روز گذشته با وجود مبارزه طولانی، مغلوب سرطان شد. چه‌راهی که در شهر آبیان به سال ۱۳۲۴ به دنیا آمد. دوران تحصیلی در رشته نمایشنامه‌نویسی دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران ناتمام ماند و نوشتن داستان را از آن قطع ساخت. برای نوجوانان آغاز و در دهه ۱۳۶۰ دو مجموعه داستان کوتاه منتشر کرد. هرچند کتاب‌های داستان نویسی و فیلمنامه‌نویسی اش در دهه ۸۰ و ۹۰ محل حضور تشنگان نویسندگی بود اما همگام می‌دانند که فعالیت‌های فرهنگی در سیمناهای درآمدی دهه ۶۰ و ۷۰ داشت. عبداللهی در دهه ۶۰ در تعدادی از فیلم‌ها دستیار کارگردان بود و شاید همین علاقه او را به ساخت فیلم «یک بقاری، یک کلاغ» با بازی حبیب ربیعی و هنگام‌فاطمه در سال ۹۵ کشاند. فیلمی که البته نباید دیده‌ناشد. شاید برخی او را بیشتر این اواخر و با نوشتن فیلم‌نامه‌ی «خانه خلوته» در سال ۹۵ بیشتر بشناسند اما بهتر است بدانیم که عبداللهی در ۲۱سالگی برای سینمای ایران دو فیلمنامه «حرم مهرورزی» را برای ناصر نظام‌ضایی نوشت. فیلمی که در زمان خودش بسیار دیده شد و حتی بارها از تلویزیون آن را دیدیم. یکی از فیلمنامه‌های عبداللهی در فهرست پرفروش‌های سینمای ایران بودند و حتی «سرزبان» (اسپرت‌ساز) او هم طرفداران زیادی در تلویزیون داشت. هرچند حاشیه‌های فراوانی با داشت.

«چیزی‌ها برای ربای»، «جست‌وجو در جزیره»، «خانه خلوته»، «بندر مآلوه»، «در کمال خونسردی»، «به‌خاطر هانیه»، «خواهران غریب»، «مرسدس»، «غریبانه»، «عیبک دودی» و «خدا حافظی طولانی» از جمله فیلمنامه‌های مهم کارنامه او است. عبداللهی در مقام فیلمنامه‌نویس، دو بار نامزد دریافت سمیرغ نوبین ستارهوار فیلم فجر شد که یک‌بار برای فیلمنامه فیلم «خانه خلوته» این جایزه را از آن خود کرد. ویژگی مهم عبداللهی در تیرون کارهایش و طی نوشتن نزدیک به ۳۰ فیلمنامه همکاری اش با کارگردان‌های مختلف بود. برای کیومرث پوراحمد، فیلم زلیما و پرفروش «خواهران غریب» و فیلم شریف و «بخوان هانیه» را نوشت و با سعود کیمیایی، «مرسدس» تولید شد. هم‌کاری اش با مهدی صادقیان، «خانه خلوته» را ساخت و «عیبک دودی» و محمدحسین لطفی هم با قلم او ساخته

برخی ناشران ایرانی به سهم خود سعی کرده‌اند بازار نشر افغانستان را برای خود و دیگر دوستان شان حفظ کنند. یکی ازشرهایی که در این زمینه تلاش زیادی انجام داده، نشر هرس است که سیدمحمدی سمولیت آن را برعهده دارد. از او دربارهٔ ظرفیت‌های نشر ایران در افغانستان می‌پرسم می‌گوید: «افغانستان کشوری است که زمانه‌ی کتابفروشی دارد. البته شاید در مورد ناچیک‌ترین هم این را بگویند که فارسی، به‌زبان آنهاست اما به‌رحال سطح ناچیک‌ها به‌صورت سریلیک است. کتاب‌های ایران در افغانستان بدون هیچ مشکلی قابل‌خواندن درگ‌شدن است. یعنی همین کتابی که در نشر هرس یادداشت‌شمارک منتشر می‌شود، به‌راحتی در افغانستان

از دمیچی در مورد چرایی کم‌شدن سهم ایران در بازار نشر افغانستان می‌پرسم و او

دلیل متعددی را برای این مساله عنوان می‌کند می‌گوید: «یک‌ساله این است که ناشران در افغانستان درحال رشد هستند. در اوایل دهه ۸۰، ضعف تولید محتوا و ناشر وجود داشت. اما هر سال که گذشت ناشران جدیدی در افغانستان شکل گرفتند. اساتید دانشگاه در سال‌های اول ترجیح ن‌ان این بود که کتاب‌های ایرانی معرفی کنند، چون منجم نبود اما به‌مرور زمان خودشان شروع به چاپ کتاب‌ها کردند و در حالی‌که در حال رشد تولید کتاب در افغانستان را شاهد هستیم و این امر باعث شده است که بازار نشر در اختیار خودشان باشد. یک‌ساله دیگر هم مربوط می‌شود به کتاب‌های ارجحانی که از هند و پاکستان و کشورهای دیگر وارد

چرا سهم کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان کم شده است؟

افغانستان می‌شود و مساله دیگر افست شدن کتاب‌هاست که از طرف پاکستان این اقدام صورت می‌گیرد و حتی در خود افغانستان هم کتاب‌ها افست می‌شود، همه این‌ها باعث شده سهم ناشران ایرانی در بازار افغانستان کاهش پیدا کند، از او دربارهٔ سهم ترکیه و تلاش‌هایش می‌پرسم می‌گوید: «من کمی این مساله را سخت می‌بینم، البته باید تحقیق بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. ترکیه از طریق یکی از انتشارات خود یک حضور در افغانستان دارد. این انتشارات ذیل بنیاد فتح الله گول‌غالیبت می‌گردان این بنیاد بودجه‌ای را برای یک انتشارات در کابل گذاشت و این انتشارات فعالیتش را شروع کرده تا فرهنگ ترکی را در افغانستان نشر دهد. ترکیه اختلاف‌زبانی با افغانستان دارد، اینکه کسی کتاب‌ها را زبان ترکی به زبان فارسی

معرفی ناقص بازار نشر افغانستان برای ناشران ایرانی

دمیچی دربارهٔ اینکه چقدر ناشران ایرانی، ظرفیت حضور در بازار نشر افغانستان را معنتم می‌دانند، می‌گوید: «بازار نشر افغانستان به‌درستی برای ناشر ایرانی تصور نشده است. یکسری از ناشران می‌گویند بازار ترکی است که هیچ‌سک در آن حضور ندارد، باید فعالیت کنید و میولیزر شوید، از طرف دیگر، بیشتر ناشرانی که می‌گویند بازار بزرگی نیست و ظرفیت پذیرش این همه ناشر را ندارد. اینها به‌خاطر این است که از زیبایی فیزیکی نسبت به فرهنگ و بافت اجتماعی افغانستان ندانیم. افغانستان در کشور ما این طور معرفی شده که یک کشور جنگ‌زده و دارای مشکلات اقتصادی بسیاری است. مبتنی بر همین نگاه‌است که ناشران ترجیح می‌دهند در

بیش از ۱۰ میلیارد تومان کتاب به افغانستان می‌روند این اتفاق هم از کتاب‌های رسمی هم غیررسمی انجام می‌گیرد. برای همین عدد درآورن برای این مساله خیلی سخت است. مثلاً از یکی از دوستان شنیدم که یکی از ناشران افغانستانی سال گذشته فقط چهار میلیارد تومان کتاب آموزش زبان انگلیسی از یکی از ناشران ایرانی خریداری کرده کتاب‌ها را به افغانستان برد. حقیقت ناشر ایرانی هزینه‌ها را برای ناشر افغانستانی پرداخت کرده‌است. چون هزینه‌های چاپ در ایران کمتر از افغانستان است و کیفیت بالاتری هم دارد. بخشی از کتاب‌های افغانستان داخل ایران چاپ می‌شود و به آنجا می‌رود. چون چاپ ایران کیفیت بهتری دارد. حالا اگر اینها احساب کنیم، آبر بالاتر می‌رود. اما با توجه به حضور در این بازار بدون احساب این مدل کتاب‌ها، سهم ایران

در بازار نشر افغانستان نسبتاً ۱۰ میلیارد تومان است که خبر رسمی است که می‌تواند بیشتر هم بشود یا چاره‌ای که آنها خودشان به ما سفارش می‌دهند و اینجا چاپ می‌کنند، این مبلغ به ۵ میلیارد هم می‌رسد.»

آمار و اطلاعات چاپ، انتشار و کتابخوانی در کشور افغانستان

جمعیت افغانستان	زبان فارسی	تعداد ناشران	تعداد کتابفروشی‌ها	علاقه‌مندی راتری	سهم کتاب‌های زبان انگلیسی	سهم ایران از بازار افغانستان	سهم ترکیه از بازار افغانستان
بیش از ۲۸میلیون نفر که از این تعداد ۷۰درصد جوان و نوجوان هستند	حدود ۷۷ درصد زبان فارسی	حدود ۱۲۰ ناشر فعال در افغانستان وجود دارند	حدود ۳۰۰ کتابفروشی در کل افغانستان فعال هستند	شعر - داستان - تاریخ - فلسفه هنر	زمانی زبان انگلیسی سهم ۶ درصدی در افغانستان داشت و الان این سهم به ۴ درصد رسیده است	ایران از سهم ۸۰ درصدی به سهم ۵۰ درصدی رسیده است	ترکیه تا یک سال پیش هیچ‌بازاری نداشته و حالا به سهم ۲۰ درصدی رسیده است

سازوکار ارسال کتاب‌ها به افغانستان

دمیچی درباره اینکه چقدر باید کرد تا بازار نشر ایران در افغانستان به یک تعامل دوسویه برسد و از ظرفیت‌های فرهنگی هم دو کفایت استفاده کرد، گفت: «ببینید ما می‌توانیم که گاهی اقتان در بروکرسی‌های اداری و دولتی ممکن است باعث شود همین بازاری هم که الان داریم را از دست بدهیم. اگر بخواهیم بگوییم این سازوکار را بازگردیم باعث طولانی شدن روند کار می‌شود. عبور از مجرای دولتی همیشه سخت است. اما می‌شود کارهایی را انجام داد که باعث شود این روند کمی آسان‌تر باشد. مثلاً ارشاد قانونی را گذاشت که ناشران با فرستادن کتاب به خارج از ایران، از دادن مالیات معاف می‌شوند اما خدح گمرک همین اسمال درمورد این مساله ما را اذیت کرد و می‌گفتند که باید یک پرداختی داشته باشیم یا در سیستم‌گذاری‌ها، ارشاد می‌تواند ورود کنند. این مساله می‌تواند بسیار در روند کار ناشران برای ورود کتاب‌ها به افغانستان تاثیرگذار باشد. به‌نظرم بازار افغانستان برای ناشران ایرانی بازار خوبی است و می‌تواند راهگشا باشد. اما ما یکسری مشکلات داخلی داریم در حوزه نشر که آنها را به افغانستان تعمیم می‌دهیم. مثلاً از یک عنوان کتاب ۱۸ عنوان منتشر می‌شود یعنی ۱۸ ترجمه مختلف فقط از یک کتاب، بعد ناشری که اصلا برای این کتاب زحمت کشیده، کتاب را با ۱۰ درصد تخفیف به ناشر افغانستانی می‌دهد و اینجا ضرر اصلی را ناشر حرفه‌ای می‌کند که با اخلاق درحال فعالیت است. راحل این موضوع و به‌عنوان این انجمن باشد که در این زمینه فعالیت کند و این سازوکارها را بسازد و افغانستان تسهیل کند، که این کار هم زمانبر است و چیزی حدود ۵ تا ۱۰ سال زمان می‌خواهد تا این فرهنگ‌سازی صورت بگیرد.»

حرف آخر:

چرا خودمان را از بازار نشر افغانستان بیرون انداختیم

سالانه در افغانستان حدود ۴ تا ۵ هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود که به نسبت ایران سهم کمی می‌شود اما بیشتر افغانستان‌ها دوست دارند که کتاب‌هایشان را در ایران چاپ کنند و اگر این بازار مهم را به رقبای جدید واگذار کنیم، همان‌طور که تا ۵ میلیاردی سهم از این مساله برای ایران داریم، از دست خواهیم داد. همان‌طور که ناشر ایرانی بازار نشر افغانستان به سهم ۸۰ درصدی به ۵۰ درصد رسیده، ممکن است ناشران ایرانی با جدی گرفتن سهم‌شان به سهم اندکی از بازار نشر این کشور برسند.

فرهنگ

سهم ۸۰ درصدی ایران که به ۵۰ درصد رسیده است

و بعد از آن‌ها هم کتابفروشی‌هایی که در پیشاور بودند، این کتاب‌ها را به‌سخت کابل می‌رند. البته این تعداد هم زیاد نبود ولی با وجود جابجایی‌ها و شرایط سخت افغانستان، ارسال کتاب ایرانی به این کشور بسته‌شد. بیشتر هم کتب مذهبی بود. اما بالاخره این بازار وجود داشت، است، و اسپهسال بعد از رفتن طالبان اشاره می‌کند می‌گوید: «بعد از رفتن طالبان و باز شدن دانشگاه‌ها و آزاد شدن برخی مسائل، این مرودات بیشتر شد. به‌جرات می‌توانم بگویم که در سال‌های ۸۲ تا ۸۴، بیش از ۸۰ درصد کتاب‌هایی که در افغانستان وجود داشت، چاپ ایرانی بود اما هر سال این عدد کمتر شد. الان باید بگویم که این سهم به ۵۰ درصد رسیده است.»

چرا سهم کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان کم شده است؟

ترجمه‌کننده، زمینه‌زبانی برای این ترجمه‌ها می‌خواهد. این نکته‌ای است که باعث سختی کارشان می‌شود. بنیاد گلن یا دولت‌فعلی‌تیکه مشکل دارد و بازم هم کارشان سخت می‌شود. این بنیاد کلاه‌شکل ترویج فرهنگ ترکیه در افغانستان و کشورهای دیگر است. اما چون در تضاد با دولت‌فعلی است، کارش سخت می‌شود. این بخش دولتی ترکیه است اگر کار به بخش خصوصی بکشد، سخت‌تر می‌شود. شما فاکتر کنید که من به‌عنوان یک بخش خصوصی در نشر ایران، کتاب‌ها را همین‌طور به افغانستان انتقال می‌دهم و به فروش می‌رسانم اما در مورد کشورهای دیگر مثلاً همین ترکیه که سخت‌تر است، چون باید اول کتاب به فارسی ترجمه شود و بعد در بازار نشر افغانستان حاضر شود.»

معرفی ناقص بازار نشر افغانستان برای ناشران ایرانی

کتابفروش افغانستانی است، چون از ناشر ایرانی این‌ها تخفیف به‌صورت زبانی کتابی را می‌خرند اما در افغانستان به‌صورت ارزی حالا یا افغان یا دلار کتاب را می‌فروشند، اما دمیچی در مورد مشکل فعالیت‌ناشران ایرانی در افغانستان می‌گوید: «مساله اصلی این است که ناشران ایرانی فعالیت متعصب یا مهاکنتی در افغانستان ندارند. متأسفانه این را ندارند که ناشران فعال در بازار نشر افغانستان ذیل یک اتحادیه یا یک صنف مشخص به‌صورت یکپارچه و متعدهر افغانستان فعالیت کنند. یکی از دلایل مشکلات این امر به بحث کمی‌ریت برمی‌گردد، ما که این مساله را ندانیم، افغانستان هم این قانون را رعایت نمی‌کند.»

چند نکته مهم در مورد بازار نشر افغانستان

بیشتر‌های خوبی داشته‌اند، اما بازار هم هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب نشده‌اند. کاری که ما از حدود پنج‌سال پیش در افغانستان شروع کردیم این است که یک کشور یک قانون واحد دارد که اگر یک ناشر کتابی را منتشر کند و ناشر دیگری از آن کتاب چاپ کند، آن ناشر اول می‌تواند شکایت کند، در صورتی‌که ما در افغانستان فروخته‌ایم، این کتاب در افغانستان چندین جلد خریدیم و به یک ناشر دیگر در افغانستان این کتاب را ناشر دیگری در ایران فروخت اما یک فعالیت بیشتر دیگر در افغانستان این کتاب را ناشر دیگری در ایران یکی کرد و به قیمت پایین‌تر از کسی که پول‌رکارت داده بود، عرضه کرد. برای همین هم شاید در مورد درمود کتاب‌های تألیفی در بازار نشر افغانستان کار کرده‌ا نامی‌شود به بازار کتاب‌های ترجمه‌ای دیگر می‌کند.»